

# مسئولیت‌پذیری در نظام سیاسی اسلام با تأکید بر مدیریت علوی

رضا وطن‌دوست<sup>۱</sup>

## چکیده

از مفاهیم بسیار مهمی که همواره مورد توجه جوامع بشری و تمدنی بوده و در مکتب اسلام نیز از جایگاهی ویژه برخوردار است، مفهوم مسئولیت و مسئولیت‌پذیری در عرصه‌های مختلف زندگی است. آن بخش از دستورات مکتب اسلام که به تکالیف و وظایف اجتماعی انسان اشاره دارد یا پیامدهای مسئولیت‌گریزی انسان را گوشزد کرده، ناظر به مسئولیت‌های انسان در عرصه‌های مختلف زندگی است. یکی از مسئولیت‌ها که سخت مورد توجه اسلام بوده و راهکارهایی کارآمد ارائه داده است، مسئولیت زمامداران و کارگزاران و ضرورت نگاه مسئولانه آنان به مردم و زیر مجموعه خود در درون حکومت است. این تحقیق بر آن است با استفاده از آموزه‌های سیاسی اسلام به ویژه آموزه‌های امام علی علیه السلام، مهم‌ترین مسئولیت‌های زمامداران و مدیران را به بحث بگذارد و در اختیار همگان قرار دهد. **کلید واژه‌ها:** مسئولیت‌پذیری، وظائف زمامداران، مدیریت علوی، نظام سیاسی اسلام، حقوق شهروندان.

۱. بنیاد پژوهش‌های اسلامی - گروه مطالعات فرهنگی زائر - مدرّس حوزه و دانشگاه دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۹ - پذیرش: ۱۳۹۳/۱۱/۲۰.

## مقدمه

مسئولیت، در لغت به معنای وظیفه یافتن و ضرورت پاسخگویی به دیگران می باشد، و در اصطلاح، به لحاظ تعدد مسئولیت ها، معنا و مفهوم آن نیز متعدد و گاه متفاوت خواهد بود. مسئولیت های دینی، قانونی و اجتماعی در عرصه های مختلف اجتماع و نیز مسئولیت های انواع صنوف و تخصص ها از جمله این مفاهیم است. از میان انواع مسئولیت ها آنچه در این تحقیق بدان توجه می شود، مسئولیت زمامداران و کارگزاران و ضرورت نگاه مسئولانه آنان در نظام مدیریتی اسلام است.

شایان ذکر است هرچند درباره نوع مدیریت علوی آثار بسیاری مانند کتاب، مقاله و نرم افزارها انتشار یافته و هریک به گوشه ای از اخلاق کارگزاران در نظام حکومتی امام علی علیه السلام پرداخته اند، این تحقیق نگاهی جامع به گستره مسئولیت های زمامداران و کارگزاران از منظر امام علی علیه السلام دارد که از قرار زیر تنظیم می شود:

### گستره مسئولیت های زمامداران و مدیران

تجربه نشان داده است که حاکمان زورگودر حکومت های طاغوتی و استبدادی، خود را برتر از عموم مردم شمرده، برای اظهار نظر در تصمیم گیری ها هیچ کس را صالح و شایسته نمی دانند، بدیهی است که مردم در این حکومت ها تنها رعیت و فرمان بر تلقی می گردند، آنها نه حق اظهار نظر دارند و نه مجاز به پرسشگری و توضیح خواستن از حاکمان و زمامداران خود می باشند. حکومت فرعون نمونه ای آشکار از این نوع حکومت است که مردم در این حکومت تحقیر شده، از هر حقی محروم می شدند.<sup>۱</sup>

در این نوع حکومت حتی ایمان مردم نیز باید با اجازه حاکمان جور باشد. آن گاه که فرعون دید ساحران با مشاهده معجزات موسی علیه السلام، به آیین و خدای او تمایل پیدا کردند، مبهوت شد و گفت: «آمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ أَدْنِ لَكُمْ» (طه / ۷۱)؛ آیا به او ایمان آوردید

۱. بنگرید به: زخرف / ۵۴.

پیش از آنکه به شما اجازه دهم.

این در حالی است که در حکومت دینی، مردم حق پرسشگری دارند و می‌توانند زمامداران خود را در بسیاری موارد به چالش بکشند و دربارهٔ ابهامات موجود توضیح بخواهند و حاکمان نیز موظف به روشننگری و پاسخگویی می‌باشند. براساس این مسئولیت بود که امام علی علیه السلام به عنوان صندوق انتقادات و پیشنهادات، اتافی کوچک به این امر اختصاص داد تا مردم هرگونه شکایتی از کارگزاران حکومت دارند، شکایت خود را بنویسند و در آن خانه بیندازند.<sup>۱</sup>

آموزه‌های اسلامی سرشار از این واقعیت است که مدیران و کارگزاران در نظام مدیریتی اسلام، به لحاظ حساسیت پست‌هایی که دارند و به تناسب موقعیت‌های خود مسئول بوده، موظف به پاسخگویی در برابر مردم می‌باشند. آنچه در پی می‌آید گوشه‌ای از این مسئولیت‌هاست.

## ۱. نگاه مسئولانه به خود

بی‌گمان نگاه مسئولانه به خود، تأثیر زیادی در رفتار و چگونگی زمامداری زمامداران و مدیریت مدیران دارد. کسی که به خود، نگاهی مسئولانه دارد، هرگز منصبی را که از توان او بیرون است نمی‌پذیرد؛ زیرا پذیرش چنین پستی، ستمی آشکار به خود و خیانتی بزرگ به جامعه است. ستم به خود از آن رواست که با پذیرش چنین منصبی، نزد دیگران ضایع می‌شود و اعتبارش مخدوش می‌گردد. امام صادق علیه السلام فرمود: سزاوار نیست که مؤمن نفس خود را خوار کند، گفته شد: چگونه! فرمود: «يَتَعَرَّضُ لِمَا لَا يُطِيقُ»؛<sup>۲</sup> به کاری درآید که از توان او بیرون است.

خیانت به جامعه به این سبب است که او نمی‌تواند بار مسئولیت را آن گونه که باید بردارد، و در نتیجه به تضییع حق مردم می‌انجامد که نوعی خیانت به مردم به شمار می‌آید. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در هشدار به چنین اشخاصی فرمود:

۱. محمدی ری شهری، محمد، سیاست‌نامهٔ امام علی، ص ۴۹۰.

۲. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۲۵.

«مَنْ تَقَدَّمَ عَلَى قَوْمٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَهُوَ يَرَى أَنَّ فِيهِمْ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنْهُ فَقَدْ خَانَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالْمُسْلِمِينَ»؛<sup>۱</sup> هرکس در پذیرش مسئولیت، از دیگر مسلمانان پیشی گیرد، حال آنکه می داند در میان آنان، افرادی توانمند وجود دارند، او به خدا، رسول او، و مسلمانان خیانت کرده است.

این سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حاکی از ضرورت شایسته سالاری در نظام مدیریتی اسلام است. از این رو، هم آنان که نامزد منصبی از مناصب حکومتی می گردند، باید پیش از انتخاب و پذیرش آن، شایستگی خود را برای پذیرش آن منصب در خود احراز نمایند و هم، دارندگان حق انتصاب و انتخاب که منصبی را به فرد مورد نظرشان وامی نهند باید اهلیت منتخب خویش را احراز کنند.

## ۲. نگاه مسئولانه به مناصب حکومتی

یکی از مسئولیت های زمامداران و کارگزاران در نظام اداری، نگاه مسئولانه به منصب مورد تصدی است؛ زیرا نوع نگاه به مسئولیت، از امور بسیار مهمی است که در شکل گیری اخلاق زمامداری و مدیریت، نقشی بسزا دارد. مسئولی که پست خود را امانت می داند، تلاش می کند تا این بار امانت را به خوبی حفظ کند و آن را به سرمنزل برساند. امام علی علیه السلام در ضرورت نگاه مسئولانه به مسئولیت، در نامه ای به یکی از کارگزاران خود فرمود:

«إِنَّ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ بِطُعْمَةٍ وَلَكِنَّهُ فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ»؛<sup>۲</sup> منصبی که داری نه طعمه،

که امانتی بر عهده توست.

نیک روشن است، این باور که پست و مقام، مسئولیتی بزرگ و امانتی سنگین است نه عنوانی نان و نامدار، الگو و وظایف متناسب به خود می طلبد، ضرورت پاسخگویی به صاحبان امانت، سامان دهی مسئولیت، پافشاری و شتاب معقول در انجام کار محوله، از جمله این الگوهاست. امام علی علیه السلام در ادامه نامه یادشده فرمود:

۱. امینی، عبدالحسین، الغدير، ج ۸، ص ۲۹۱.

۲. نهج البلاغه، شرح و ترجمه فیض الاسلام، نامه ۵، ص ۸۳۹.

«لَيْسَ لَكَ أَنْ تَفْتَاتَ فِي رَعِيَةٍ وَلَا تُخَاطِرَ إِلَّا بِوَثِيقَةٍ وَفِي يَدَيْكَ مَالٌ مِنْ مَالِ اللَّهِ وَأَنْتَ مِنْ خُزَّانِهِ»؛ حق نداری نسبت به رعیت استبداد ورزی و بدون دستور به کاری مهم اقدام نمایی، در دست تو اموالی از ثروت‌های خداوند بزرگ است و تو خزانه‌دار آنی. بنابراین، یا نباید پست و مسئولیت را پذیرفت یا اگر کسی این مسئولیت را بردوش بگیرد لازم است برای به سرمنزل رساندن آن تلاش کند و از خدای مهربان که هر خدمتگزار صادقی را کمک می‌کند مدد بگیرد.

در ضرورت به انجام رساندن مسئولیت‌ها از امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ بیاموزیم که فرمود: «الْعَمَلُ الْعَمَلُ ثُمَّ النَّهَايَةُ النَّهَايَةُ وَالْإِسْتِقَامَةُ الْإِسْتِقَامَةُ ثُمَّ الصَّبْرُ الصَّبْرُ...»؛<sup>۱</sup> کار کار، به پایان بردن به پایان بردن، پایداری پایداری، و سپس صبوری کردن صبوری کردن ....

### ۳. نگاه مسئولانه به شهروندان

در نظام حکومتی اسلام، حقوق مردم از والاترین حق‌ها به شمار می‌آید؛ از این رو بایسته رعایت و پاس نهادن است. در اهمیت این حق، همین بس که امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ آن را برخاسته از توحید معرفی نموده است، چنان که فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ... فَضَّلَ حُرْمَةَ الْمُسْلِمِ عَلَى الْحُرْمِ كُلِّهَا وَشَدَّ بِالْإِخْلَاصِ وَالتَّوْحِيدِ حَقَّوُقَ الْمُسْلِمِينَ»؛<sup>۲</sup> خداوند حرمت مسلمانان را بر هر چیزی برتری داده و حقوق آنان را با اخلاص و یگانه‌پرستی پیوند داده است.

این، اهمیّت حقوق مردم بود که آن حضرت از گاه نخست پذیرش زمامداری، کوشید تا با آگاه ساختن مردم نسبت به حقوقشان، نظام اداری خود را به نظامی حقوق‌مدار تبدیل کند؛ چنان‌که در اشاره به بخشی از حقوق اقتصادی، آموزشی و تربیتی مردم فرمود:

«أَيُّهَا النَّاسُ... فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ فَالتَّصِيحَةُ لَكُمْ وَتَوْفِيرُ فَيْئِكُمْ عَلَيَّكُمْ وَتَعْلِيمُكُمْ كَيْلَا تَجْهَلُوا وَتَأْدِيبُكُمْ كَيْمَا تَعْلَمُوا»؛<sup>۳</sup> ای مردم! حق شما بر من آن است که از خیر خواهی

۱. نهج البلاغه، همان، خطبه ۱۷۵، ص ۵۶۹.

۲. همان، خطبه ۱۶۶، ص ۵۴۴.

۳. همان، خطبه ۳۴، ص ۱۱۴.

شما دریغ نورزم، بیت المال را عادلانه تقسیم کنم، شما را آموزش دهم تا بی سواد نمانید و به گونه‌ای تربیتتان کنم که راه و رسوم زندگی را فراگیرید.

آن حضرت در تأکید بر حقوق مردم، در نخستین کلامش پس از پذیرش زمامداری فرمود:

«ذِمَّتِي بِمَا أَقُولُ زَهِيئَةً وَأَنَا بِهِ زَعِيمٌ»<sup>۱</sup> آنچه را که می‌گویم بر عهده من است و من به آن پایبند می‌باشم.

آن امام عدالت‌پیشه، نه تنها در رعایت حقوق شهروندان جامعه کوششی مضاعف داشت که کارگزاران خود را نیز بر آن می‌داشت تا از منظری درست به مردم نگاه کنند و دور از هرگونه خشونت، خدمتی درخور شأن به مردم ارائه دهند، چنان‌که فرمود:

«در روابط با مردم، انصاف به خرج دهید و در برآوردن نیازهایشان شکیباً باشید؛ چراکه شما خزانه‌داران مردم، نمایندگان ملت و سفیران پیشوایان خود هستید؛ هرگز کسی را از نیازمندی‌هایش باز ندارید و او را از خواسته‌هایش محروم نسازید»<sup>۲</sup>.

آن حضرت در جای دیگر کارگزاران و مدیران خود را از هر نوع رفتار خشن و قلدر مآبانه با مردم بازداشت و فرمود:

«وَأَشِعْرَ قَلْبِكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَةِ وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَاللِّطْفَ بِهِمْ وَلَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعاً ضَارِياً تَغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ»<sup>۳</sup> مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده و آنان را دوست مدار و با نرمی رفتار کن و همچون حیوانی درنده خوباش که خوردنشان را غنیمت شماری.

خوب است بدانیم، آن حضرت که سخت حقوق مردم را پاس می‌داشت و همواره کارگزاران خود را به این امر مهم توصیه می‌کرد، هرگاه می‌دید، یکی از کارگزارانش در این باره کوتاهی می‌کند، بی‌درنگ او را با عزل از منصب خود توبیخ می‌کرد. برکناری شخصیت برجسته‌ای مانند ابوالاسود دؤلی از منصب قضاوت، نمونه‌ای از اقدام آن

۱. نهج البلاغه، همان، خطبه ۱۶، ص ۶۶.

۲. همان، نامه ۵۱، ص ۹۸۴.

۳. همان، نامه ۵۳، ص ۹۹۳.

حضرت در این باره است. او که دلیل برکناری اش را نمی دانست پرسید: من که نه خیانتی مرتکب شدم و نه جنایتی؛ پس چرا برکنارم ساختی؟ فرمود:

«إِنِّي رَأَيْتُ كَلَامَكَ يَعْلُو كَلَامَ خَصْمِكَ»؛<sup>۱</sup> عزل تو از آن رواست که دیدم [در پست قضاوت] سخن تو بلندتر از سخن دشمنت [متهم] بود.

#### ۴. نگاه مسئولانه به بیت المال

از جمله مسئولیت‌ها در نظام اداری اسلام، مسئولیت متصدیان امور در برابر بیت المال و امکانات عمومی است که در اختیار دارند. این وظیفه ایجاب می‌کند تا آنان، برای حفظ بیت المال و استفاده بهینه از آن، توان خویش را به کار بندند و امام علی علیه السلام را که زعیمی درستکار و امیری امانت‌دار است، الگوی خویش قرار دهند که پس از تقسیم عادلانه بیت المال و جارو کردن انبار، دو رکعت نماز گزارد و فرمود:

«ای بیت المال در روز قیامت، گواهی دهید که علی بیت المال به عدالت تقسیم کرد و از آن چیزی برای خود ذخیره نکرد».<sup>۲</sup>

آن امام در جایی دیگر فرمود:

«يا أهل الكوفة! إذا أنا خَرَجْتُ مِنْ عِنْدِكُمْ بِغَيْرِ رَاحِلَتِي وَرَحْلِي وَغَلَامِي فَلانَ فأنَا خائنٌ»؛<sup>۳</sup> ای کوفیان! اگر من با چیزی فزون‌تر از مرکب، بار و بنه اندک خود و تنها غلامم فلانی (قنبر) از شهر شما بیرون روم، خیانت‌کار و امانت‌شکن باشم.

امام علی علیه السلام در پیشگیری از هدر رفتن بیت المال توصیه‌هایی کارگشا دارد که در ادامه این بحث، به چند مورد اشاره می‌شود. در بخشی از عهدنامه مالک اشتر فرمود:

«إِيَّاكَ وَالْإِسْتِثْنَاءَ بِمَا النَّاسُ فِيهِ أَسْوَةٌ»؛<sup>۴</sup> از امتیازخواهی و از اینکه چیزی به خود

---

۱. ابن ابی جمهور الإحسائی، عوالی اللئالی، ج ۲، ص ۳۴۳؛ نوری، حسین، مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۳۵۹.

۲. ثقفی کوفی، ابراهیم بن محمد، الغارات، ج ۱، ص ۴۶.

۳. بحرانی، سید هاشم، غایة المرام، ج ۶، ص ۳۴۷؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۲، ص ۲۰۰.

۴. نهج البلاغه، شرح و ترجمه فیض الاسلام، نامه ۵۳، ص ۱۰۳۱.

اختصاص دهی که بهره مردم در آن یکسان است پرهیز.  
آن حضرت در پاسخ به درخواست عبد الله بن زمعنه که توقع کمک اضافی از بیت المال داشت فرمود: «إِنَّ هَذَا الْمَالَ لَيْسَ لِي وَلَا لَكَ وَإِنَّمَا هُوَ فِئَةٌ لِلْمُسْلِمِينَ»؛<sup>۱</sup> این اموال که می بینی نه از آن من است و نه از آن شما، بلکه آن غنیمتی گردآمده برای تمام مسلمانان است.

همان امام برای پیشگیری از هرگونه اسراف در بیت المال که اجحافی بزرگ به مردم است، در بخشنامه ای، به عموم کارگزاران خود فرمود:

«نوک قلم های خود را نازک بردارید، سطرها را به هم نزدیک سازید، از تعارف نسبت به من بکاهید، زواید را حذف کنید، در قصد معانی روش میانه پیش گیرید، زنهار که زیاده روی کنید؛ زیرا بیت المال مسلمانان هیچ زبانی را بر نمی تابد».<sup>۲</sup>

امام خمینی که در مکتب اسلام پرورش یافته است، در ضرورت مصرف درست بیت المال می گوید: «بیت المال مسلمین را بزرگ شمارید، حکومت های اسلامی باید بیت المال مسلمین را برای جلال و جبروت خودشان صرف نکنند، بیت المال مسلمین صرف آن چیزی شود که برای مسلمانان اختصاص یافته است».<sup>۳</sup>

### پیشگیری از سوء استفاده اطرافیان

مطلبی که در اینجا بایسته یادآوری است، ضرورت پیشگیری زمامداران و مدیران، از سوء استفاده نزدیکان و اطرافیان خود از بیت المال است؛ زیرا هرچند ممکن است زمامداران، افرادی خودساخته باشند و به سوء استفاده از بیت المال آلوده نشوند، اما احتمال می رود در میان اطرافیان آنها افرادی سودجو باشند که با ابراز دوستی و ستایشگری چاپلوسانه، خود را به آنان نزدیک سازند و اعتماد آنان را جلب نمایند و به این

۱. همان، خطبه ۲۲۳، ص ۷۲۸.

۲. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، الخصال، ص ۳۱۰؛ مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۴۱، ص ۱۵.

۳. خمینی، روح الله، نشریه سروش، شماره ۳۰۹، ص ۱۲.



وسيله برای خود حاشیه‌ای امن فراهم آورند و به چپاول بیت‌المال مشغول گردند. چه زیباست این هشدار امام علی علیه السلام به مالک اشتر که فرمود:

«زمامداران را خواص و نزدیکانی است که خودخواه و چپاولگرند و در معاملات از انصافی اندک برخوردارند، از این رو با بریدن اسباب آن، ریشه ستمکاریشان را بخشکان و به هیچ یک از حاشیه‌نشینان و حامیان خود زمینی را وامگذار و با آنان به گونه‌ای رفتار نما که برای انعقاد قراردادهایی که به مردم زیان رساند بر توطیع نکنند؛ مانند قراردادهای مربوط به آبیاری و هر قرارداد مشترکی که هزینه آن را بردیگران تحمیل می‌کنند، در این صورت است که سودش برای آنان و ننگش در دنیا و آخرت برای تو خواهد ماند»<sup>۱</sup>.

امام علی علیه السلام نه تنها به هر صاحب منصبی این هشدار را می‌داد که خود پیش‌تراز همه و بیشتر از هر کس، اصل پیشگیری از سوء استفاده اطرافیان را عملی ساخته است. برخورد سخت آن حضرت با برادرش عقیل نمونه‌ای از این رفتار است که خود فرمود:

«به خدا سوگند، برادرم عقیل را دیدم که به شدت تهی دست شده و از من می‌خواست تا از بیت‌المال منی گندم به او ببخشم، کودکانش را دیدم که از فرط گرسنگی موهایشان ژولیده و رنگشان آن‌چنان تیره شده بود که گویا با نیل رنگ کرده بودند. پی‌درپی مرا دیدار کرد و درخواست خویش را تکرار نمود، چون به گفته‌های وی گوش فرا دادم، پنداشت که دین خود را به او واگذار کرده، به دلخواه او رفتار می‌کنم و از راه و رسم عادلانه خود دست برمی‌دارم. روزی آهنی را در آتش گذاختم و به جسمش نزدیک ساختم تا او را بیازمایم، او که نزدیک بود از شدت حرارت آن بسوزد مانند فردی بیمار از درد فریاد زد؛ به او گفتم: ای عقیل! گریه کنندگان بر تو بگیرند، از حرارت آهنی که انسانی آن را گرم ساخته می‌نالی، اما مرا به آتش دوزخ می‌خوانی که خدای جبار آن را با خشم خود گذاخته است!»<sup>۲</sup>.

۱. نهج البلاغه، همان، نامه ۵۳، ص ۱۰۲۵.

۲. همان، ص ۷۱۳، خطبه ۲۱۵، ص ۷۱۳.

## ۵. نگاه مسئولانه به کارگزاران

از مهم‌ترین تعهدات اخلاق اداری در نظام حکومتی اسلام، ضرورت نگاه مسئولانه زمامداران و مدیران بلندپایه به مجموعه زیردستان و عوامل اجرایی است. در این مجال به برخی از این مسئولیت‌ها اشاره می‌شود.

### الف. شایسته‌سالاری در گزینش

از جمله وظایف مهم مدیران بلندپایه که حق گزینش و واگذاری مناصب حکومتی را به دیگران دارند، مسئولیت تقسیم پست‌ها براساس شایسته‌سالاری است. از این رو، برآنان واجب است، در اداره جامعه اسلامی، به دور از هرگونه سلیق شخصی و قومی، با پرهیز از هر نوع حزب‌گرایی و بدون احساس وام‌داری به این و آن، کارگزارانی متعهد، متخصص و با سابقه‌ای درخشان به کار گمارند و از به کارگیری افرادی نالایق پرهیزند، و از آن بترسند که در صورت کوتاهی در این باره، مشمول این سخن تکان‌دهنده پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قرار گیرند که در هشدار به این گونه افراد فرمود:

«مَنْ اسْتَعْمَلَ عَامِلًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَهُوَ يَعْلَمُ أَنَّ فِيهِمْ أُولَىٰ بِذَلِكَ مِنْهُ وَأَعْلَمُ بِكِتَابِ اللَّهِ وَسُنَّةِ نَبِيِّهِ فَقَدْ خَانَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَجَمِيعَ الْمُسْلِمِينَ»<sup>۱</sup> هرکس فردی از مسلمانان را به کاری گمارد درحالی که او می‌داند در میان مسلمانان، افرادی سزاوارتر و آگاه‌تر به کتاب خدا و سنت پیامبرش وجود دارند، او در حقیقت به خدا، رسول خدا و تمام مسلمانان خیانت کرده است.

امام علی عَلَيْهِ السَّلَام در ضرورت دقت در امر گزینش کارگزاران، خطاب به مالک اشتر فرمود: «در انتخاب کارگزاران دقت کن و پس از آزمودن به کارشان بگمار و هرگز با میل خود و بی مشورت با دیگران و از سر خود کامگی، مسئولیتی به آنان و امگزار؛ چرا که عمل خودسرانه خیانت و ستمگری است. کارمندان خود را از میان مردم با تجربه، با حیا و از خاندان‌های پاکیزه و با تقوا که در مسلمانی سابقه‌ای درخشان دارند انتخاب کن؛ زیرا اخلاق آنان گرامی‌تر، آبرویشان محفوظ‌تر، طمع ورزیشان کمتر و آینده‌نگریشان بیشتر

۱. العالی، الانتصار، ج ۶، ص ۲۳۳.

است»<sup>۱</sup>.

آن حضرت در هشداری به تملق و ظاهر سازی افراد سودجو و نالایق فرمود:  
«مبادا در گزینش چنین افرادی، بر تیزهوشی خود، خوش باوری و اطمینان به آنان  
تکیه نمایی؛ چرا که افراد زیرک، با ظاهر سازی و خوش خدمتی، ممکن است نظر  
زمامداران را به خود جلب کنند، در حالی که در پس این ظاهر سازی ها، نه خیر خواهی  
وجود دارد و نه از امانت داری خبری هست»<sup>۲</sup>.

### ب. نظارت بر کارگزاران

در اخلاق اسلامی و نظام حکومتی اسلام، اصل بر امانت داری و نفی خودکامگی  
کارکنان است، اما این، دلیل نمی شود که آنان را به حال خود وانهاد و از اصل دیگر به نام  
اصل نظارت مستمر بر رفتار آنان غفلت کرد؛ چرا که این نظارت، به امانت داری و  
درستکاری بیشتر خواهد انجامید. چه خوب است زمامداران در اجرای این اصل، از امام  
علی علیه السلام بیاموزند که هم خود، بر کارکنان نظارت مستقیم داشت و هم به مدیران ارشد  
تأکید می کرد تا از نظارت بر زیردستان خود غفلت نکنند، چنان که فرمود:

«رفتار کارکنان خویش را بررسی نما و جاسوسانی راست گو و وفای پیشه بر آنان بگمار؛  
چرا که مراقبت پنهانی از کار آنان، سبب امانت داری آنان و مهربانی با رعیت خواهد شد.  
از همکاران نزدیکت سخت مراقبت کن؛ پس اگر یکی از آنان خیانت کرد و گزارش  
جاسوسان تو آن را تأیید نمود، او را با تازیانه مجازات کن و آنچه از اموال که در اختیار دارد  
از وی باز پس گیر، سپس او را خوار دار و خیانت کار شمار و طوق بدنامی به گردنش  
افکن...»<sup>۳</sup>.

آن حضرت نه تنها به مدیران و کارگزاران ارشد خود چنین توصیه می کرد که خود نیز  
رفتار آنان را سخت زیر نظر داشت. نامه آن حضرت به یکی از استاندارانش گواه بر این

۱. نهج البلاغه، همان، نامه ۵۳، ص ۱۰۱۱.

۲. نهج البلاغه، همان، ص ۱۰۱۳.

۳. نک: همان، ص ۱۰۱۱-۱۰۱۲.

مطلب است که فرمود:

«وَأِنِّي أَقْسِمُ بِاللَّهِ فَمَسَاءً صَادِقًا لِّإِنْ بَلَغَنِي أَنَّكَ خُنْتَ مِنْ فِيءِ الْمُسْلِمِينَ شَيْئًا صَغِيرًا  
او کبیراً لِأَشَدَّ عَلَيْكَ شِدَّةً تَدْعُكَ قَلِيلَ الْوَفْرِ ثَقِيلَ الظَّهْرِ ضَيْلَ الْأَمْرِ»؛<sup>۱</sup> به خدا سوگندی  
صادق می خورم که اگر به من گزارش رسد، تو بر اموال عمومی خیانتی کوچک و یا بزرگ روا  
داشتی، چنان برتوسخت گیرم که بهره‌ای اندک بری و در هزینه‌های خود وامانی و در کار  
خود سرگردان شوی.

### ج. ارزشیابی و جزا دهی

افراد در پذیرش مسئولیت‌ها یکسان نیستند و تفاوت‌ها، اصلی پذیرفته شده  
می باشد؛ از این رو لازم است آنان که مسئولیت می پذیرند و به خوبی از عهده آن  
برمی آیند تشویق گردند، و افرادی که تنها به منافع خود می اندیشند و از عهده  
مسئولیت‌های خود بر نمی آیند تنبیه شوند.

بر مبنای این اصل است که امام علی علیه السلام در بخشی از اساسنامه حکومتی به مالک  
اشتر فرمان داد تا هم، آنان که همواره به رسالت خویش می اندیشند و به خوبی از عهده آن  
برمی آیند، تشویق شوند و پاداشی درخور شأن دریافت کنند و هم، آن دست از کارگزارانی  
که تنها در اندیشه منافع فردی و حزبی به سر می برند و در پیشرفت مسئولیت خود گامی  
بر نمی دارند، تنبیه گردند:

«وَلَا يَكُونَنَّ الْمُحْسِنُ وَالْمُسِيءُ عِنْدَكَ بِمَنْزِلَةٍ سِوَاءٍ فَإِنَّ فِي ذَلِكَ تَزْهِيداً لِأَهْلِ الْإِحْسَانِ  
فِي الْإِحْسَانِ وَتَدْرِيباً لِأَهْلِ الْإِسَاءَةِ عَلَى الْإِسَاءَةِ وَالرِّمَ كَلَامٌ مِنْهُمْ مَا أَلَزَمَ نَفْسَهُ...»<sup>۲</sup>؛  
نیکوکار و بدکار در نظرت یکسان نباشند، زیرا در این صورت نیکوکاران در نیکوکاری بی  
رغبت می گردند و بدکاران در بدکاری تشویق می شوند. از این رو، هر یک از آنان را بر  
اساس کردارشان پاداش ده.

۱. نهج البلاغه، همان، نامه ۲۰، ص ۸۷۰.

۲. همان، نامه ۵۳، ص ۱۰۰۰.

## د. امنیت شغلی و تأمین مالی

یکی از مسئولیت‌های مدیران و زمامداران، ضرورت پرداختن به امنیت شغلی و تأمین مالی کارمندان و زیرمجموعه دولت در نظام اداری کشور است.

امنیت شغلی به این معناست که کارمندان در نظام اداری کشور، نسبت به آینده شغل خود امیدوار گردند و بی‌هیچ دغدغه‌ای بدان اشتغال یابند. بدیهی است که اگر این امنیت برفضای زندگی کارمندان حاکم شود در صورت مشاهده<sup>۱</sup> نارسایی‌های اداری بی‌هیچ هراسی در برابر آن حساسیت نشان داده، عیب و ایرادها را بازگو می‌نمایند، اما اگر سایه شوم ناامنی شغلی بر زندگی آنان سایه افکند، به دلیل ترس محرومیت از کار و از دست دادن شغل خود، در برابر هرگونه ستم و اجحافی سکوت می‌کنند.

چه خوب است مدیران ارشد در نظام حکومتی اسلام، پیام امام علی علیه السلام به مالک اشتر را سرلوحه کار خود قرار دهند که در بخشی از این پیام، گزیده‌ترین کارکنان را افرادی می‌داند که با صراحت و صداقت حق را به زبان آورند و بی‌هیچ ترسی مشکلات را بازگو نمایند:

«افرادی را که در حق گویی از همه صریح‌ترند و در آنچه را که خدا برای دوستانش نمی‌پسندد تو را کمک نمی‌کنند برگزین - چه خوشایند تو باشد یا نباشد - تا می‌توانی با پرهیزکاران و راست‌گویان پیوند و آنان را چنان پرورش ده که تو را فراوان نستایند و تو را بر انجام رفتاری ناسالم تشویق نکنند؛ چرا که ستایش بی‌مورد، خود پسندی می‌آورد و آدمی را به سرکشی وامی‌دارد»<sup>۲</sup>.

بدیهی است، فراهم آمدن چنین موقعیتی در نظام اداری کشور نیازمند امنیت شغلی است تا ناقدان خیرخواه فرصت یابند با نقدهای عالمانه و سازنده خود عرض اندام نمایند و از آن دسته چاپلوسان ستایشگر تمایز یابند. و به این وسیله به عنوان افراد جسور شناسایی شوند و در کارهای مهم تر به کار گرفته شوند. چه زیباست سخن امام علی علیه السلام

۱. همان، نامه ۵۳، ص ۱۰۰۰.

۲. همان، ص ۹۹۹.

که در این باره فرمود:

«إِنَّمَا يُحِبُّكَ مَنْ لَا يَتَمَلَّقُكَ وَيُثْنِي عَلَيْكَ مَنْ لَا يَسْمَعُكَ!»<sup>۱</sup>؛ کسی که تو را دوست دارد به تملق و ستایش تو نمی پردازد و کسی که به ستایش تو می پردازد دستورات تو را ناشنیده می انگارد.

یکی دیگر از مسئولیت های زمامداران، ضرورت تأمین مالی کارمندان و وزیر مجموعه دولت در نظام اداری کشور اسلامی است، این از آن روست که دغدغه معاش زندگی و نگرانی گذران آبرومند، اخلاق اداری را تباه می کند و زمینه سوء استفاده از اموال بیت المال را فراهم می آورد؛ زیرا اخلاق اداری شاکله ای است که در رفتار و مناسبات سالم اداری ظهور می یابد و آن چیزی نیست که بتوان با نصیحت و بخشنامه ها اصلاح کرد، و بی گمان تأمین مالی کارکنان از مهم ترین این مناسبات است. به این دلیل است که امام علی علیه السلام در فرمان های حکومتی خود، بر تأمین کامل کارکنان تأکید نموده، آن را زمینه ساز اصلاح اخلاق اداری معرفی کرده، می فرماید:

«أَسْبِغْ عَلَيْهِمُ الْأَرْزَاقَ فَإِنَّ ذَلِكَ قُوَّةٌ لَهُمْ عَلَى اسْتِصْلَاحِ أَنْفُسِهِمْ وَغِنَى لَهُمْ عَنِ تَنَاوُلِ مَا تَحْتَ أَيْدِيهِمْ»<sup>۲</sup>؛ روزی ایشان را فراخ گردان، چرا که با فراخی روزی امکان اصلاح نفس آنان فراهم می آید و آنان با بی نیازی دست تباهی به اموال بیت المال نمی گشایند.

همان طور که روشن است امام در این پیام به مالک دستور می دهد تا نعمت را بر کارکنان خود تمام نماید و سطح زندگی آنان را به حد عالی رساند؛ چرا که «سبغه» به معنای فراخی روزی، رفاه و آسایش است که شایسته است برای کارمندان فراهم آید.

## جمع بندی

مسئولیت و مسئولیت پذیری که از ویژگی های زندگی اجتماعی و تمدنی بشر است، بسیار متعدد و متنوع می باشد. مسئولیت زمامداران و کارگزاران و ضرورت پاسخگویی آنان به دیگران از جمله این مسئولیت هاست که نیازمند درنگ و تبیین محققانه

۱. آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، ج ۳، ص ۲۱۸.

۲. نهج البلاغه، همان، نامه ۵۳، ص ۱۰۱.

می باشد. این نوشته که با محوریت مدیریت علوی سامان یافته، با مراجعه به آموزه های امام علی علیه السلام و سبک مدیریت آن حضرت توانسته است گوشه ای از مسئولیت های کارگزاران و ضرورت نگاه مسئولانه آنان به خود و به پست مورد تصدی و نیز نگاه مسئولانه به بیت المال، مردم و کارمندان را تبیین کند.

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، شرح و ترجمه فیض الاسلام.
۳. ابن ابی جمهور الاحسایی، محمد بن علی، *عوالی الثالی*، سید الشهداء، قم، ۱۴۰۳ق.
۴. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، بنیاد فرهنگ اسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۱ق.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، *الخصال*، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۳ق.
۶. آمدی، عبدالواحد بن محمد، *غرر الحکم و درر الکلم*، تصحیح و تعلیق سید جلال الدین محدث، دانشگاه تهران، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۶ش.
۷. امینی، عبدالحسین، *الغدیر*، دارالکتب العربیه، چاپ سوم، ۱۳۸۷ق.
۸. بحرانی، سید هاشم، *غایة المرام*، تحقیق سید علی عاشور، بی جا، بی تا.
۹. ثقفی کوفی، ابراهیم بن محمد، *الغارات*، چاپ بهمن، بی تا.
۱۰. حرّعاملی، محمد بن الحسن، *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، داراحیاء التراث العربی، بیروت، چاپ پنجم، ۱۴۰۳ق.
۱۱. خمینی، روح الله، *نشریه سروش*، شماره ۳۰۹.
۱۲. العاملی، الانتصار، بیروت، دار السیره، ۱۴۲۲ق.
۱۳. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۰۳ق.
۱۴. محمدی ری شهری، محمد، *سیاست نامه امام علی علیه السلام*، دار الحدیث، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۱ش.
۱۵. نوری، حسین، *مستدرک الوسائل*، آل البيت، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۸ق.